

# رویکرد مقایسه‌ای ایران و مصر در قبال گروه‌های جهادی فلسطین (۱۹۷۹ تا ۲۰۱۲ می‌لادی)

ابراهیم متقی

استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمد نادری<sup>۱</sup>

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت معلم تهران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۰۳/۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۲/۰۹

## چکیده

جمهوری اسلامی ایران و مصر، دو کشور مهم و تأثیرگذار در جهان اسلام، منطقه ژئواستراتژیک خاورمیانه و شمال آفریقا محسوب می‌شوند. مصر مدعی رهبری جهان عرب، کشوری تأثیرگذار در میان کشورهای اسلامی، عربی و غیرمتعهدها است. این کشور در مسأله فلسطین تاکنون بیشترین تأثیرگذاری را داشته و گروه‌های جهادی فلسطینی، مصر را همچنان اصلی‌ترین حامی خود می‌دانند. ایران نیز به عنوان کشوری اسلامی و تأثیرگذار در مناسبات منطقه‌ای، نقشی راهبردی در مناسبات جهان اسلام، خاورمیانه و فلسطین دارد. بنابراین تأثیرپذیری گروه‌های جهادی فلسطینی از دو کشور در منطقه حساس خاورمیانه دارای اهمیت بسیار است. به ویژه اینکه هر دو کشور طی سه دهه گذشته رویکردهای متفاوتی را نسبت به مسأله فلسطین دنبال کرده‌اند. روابط ایران و مصر پس از انقلاب اسلامی با چالش‌ها و تنش‌های مختلفی مواجه بوده است. با شناسایی موجودیت اسرائیل از سوی مصر – پیمان صلح کمپ دیوید – اختلافات به اوج رسیده و منجر به قطع روابط دو کشور شد. طی سه دهه گذشته سیاست خارجی مصر با سیاست‌های کشورهای غربی به خصوص ایالات متحده همسو بوده است و این کشور به دستیابی به بخشی از حقوق فلسطینی‌ها رضایت داده است، اما ایران موجودیت اسرائیل را هرگز به رسمیت نشناخته و از حقوق کامل فلسطینی‌ها و بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی و تشکیل دولت فلسطین حمایت کرده است. بر این اساس، مصر از گروه‌های فلسطینی سازشکار مانند فتح و تشکیلات حکومت خودگردان حمایت کرده و ایران از گروه‌های معتقد به ادامه مقاومت و جهاد مانند گروه‌های حماس و جهاد اسلامی حمایت کرده است. بنابراین تاکنون مسأله فلسطین مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در روابط ایران و مصر بوده است.

**واژگان کلیدی:** سیاست خارجی، ایران، مصر، فلسطین، خاورمیانه، سازهانگاری.

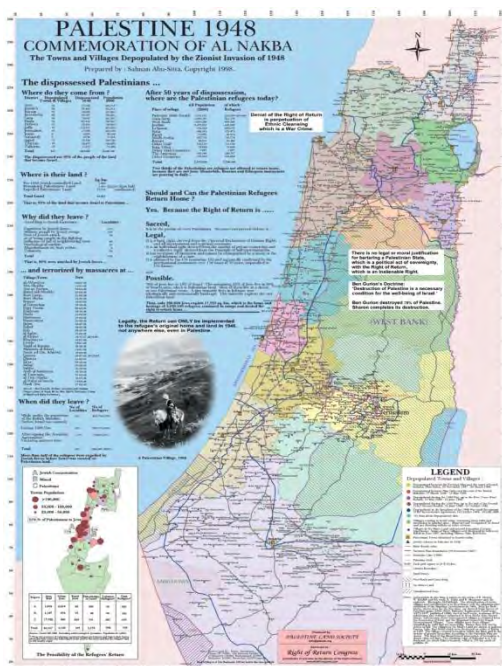
## مقدمه

جمهوری اسلامی ایران و مصر، دارای جایگاه مهم و تأثیرگذاری در جهان اسلام می باشند و این امر تأثیرپذیری گروه‌های فلسطینی از اقدامات و مواضع دو کشور را برجسته کرده است. با این وجود روابط ایران و مصر در طول تاریخ پر فراز و نشیب بوده است. مصر مدعی رهبری جهان عرب، کشور تأثیرگذاری در می‌ان کشورهای اسلامی و عربی و صاحب نفوذ در خاورمیانه است. اکثر کشورهای عرب منطقه، روابط بسیار خوبی با مصر دارند. این کشور در قبال مسأله فلسطین تاکنون بیشترین تأثیرگذاری را داشته و گروه‌های جهادی فلسطینی، مصر را همچنان اصلی‌ترین حامی خود می‌دانند. به دلیل اشتراکات نژادی، زبانی، مذهبی، فرهنگی و همسایگی فلسطینی‌ها با مصری‌ها، تاکنون رهبران گروه‌های فلسطینی، دولت مصر را تکیه گاه اصلی خود دانسته و منازعات و اختلافات داخلی و خارجی خود را در این کشور حل و فصل کرده یا به مذاکره گذاشته‌اند.

ایران نیز به عنوان کشوری اسلامی و تأثیرگذار در مناسبات منطقه‌ای، نقشی راهبردی در مناسبات جهان اسلام، خاورمیانه و فلسطین دارد. روابط ایران و مصر پس از انقلاب اسلامی با چالش‌ها و تنش‌های مختلفی مواجه بوده است و با شناسایی موجودیت اسرائیل از سوی مصر - امضای پیمان صلح کمپ دیوید - اختلافات به اوج رسیده و منجر به قطع روابط دو کشور شد. طی سه دهه گذشته سیاست خارجی مصر با سیاست‌های کشورهای غربی به خصوص ایالات متحده همسو بوده است و مصر به دستیابی به بخشی از حقوق فلسطینی‌ها رضایت داده است اما ایران موجودیت اسرائیل را هرگز به رسمیت نشناخته و از حقوق کامل فلسطینی‌ها و باز پس‌گیری سرزمین‌های اشغالی و تشکیل دولت فلسطین حمایت کرده است.

بر این اساس، مصر از گروه‌های فلسطینی سازشکار مانند فتح و تشکیلات حکومت خودگردان و ایران از گروه‌های معتقد به ادامه مقاومت و جهاد مانند گروه‌های حماس و جهاد اسلامی حمایت کرده‌اند. تاکنون مسأله فلسطین مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در روابط ایران و مصر بوده است. پر واضح است «مسأله فلسطین» مورد توجه خاص مسلمانان، اعراب، آزادی خواهان، حق‌طلبان و عدالت‌طلبان جهان است. حل این مسأله به نحوی که رضایت و همراهی اکثریت فلسطینی‌ها را به همراه داشته باشد امتیاز بسیار مهمی، برای هر کشوری که این توفیق را یابد محسوب می‌شود و در بین کشورهای اسلامی و عربی منطقه، ایران و مصر بر سر این موضوع رقابت استراتژیک دارند. بنابراین سردی روابط دو کشور تا زمان پیروزی انقلاب ۲۰۱۱ می‌لادی و سقوط حکومت حسنی مبارک ادامه داشت و با نزدیکی مواضع مصر جدید با ایران، می‌توان نشانه‌هایی از تغییر در جهت بهبود روابط دو کشور را ملاحظه کرد.

باتوجه به چنین فرایندی در این پژوهش سوال اصلی معطوف به آن است که شباهت‌ها و تفاوت‌های سیاست خارجی ایران و مصر در نوع و نحوه حمایت از حقوق فلسطینی‌ها و گروه‌های جهادی کدام است؟ فرضیه مقاله نیز بر این موضوع تأکید دارد که "مواضع متفاوت ایران و مصر در قبال مسأله فلسطین متأثر از تفاوت‌ها در سرچشمه‌های سیاست خارجی دو کشور است". روش پژوهش در این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی است و تلاش شده سیاست خارجی ایران و مصر در قبال مسأله فلسطین و گروه‌های جهادی بررسی، تطبیق و تحلیل شود.



[http://rorcongress.com/map\\_english.htm](http://rorcongress.com/map_english.htm)

### بنیادهای نظری رویکرد ایران و مصر به گروه‌های جهادی فلسطین

در بررسی سیاست خارجی هر کشوری می‌توان از مفاهیم نظری برای تبیین علمی تصمیم‌گیری‌ها بهره گرفت. هر کشوری به فراخور ویژگی‌های خود سیاست خارجی منحصر به خود را دنبال می‌کند. از آنجا که نویسندگان در پژوهش پیش رو درصدد بررسی و تطبیق دو سیاست خارجی متفاوت در قبال مسأله فلسطین در منطقه خاورمیانه‌اند، لذا از دو نظریه متفاوت در بررسی مواضع دو کشور ایران و مصر در قبال مسأله فلسطین بهره گرفته شده است. نظریه سازه‌انگاری برای تحلیل سیاست خارجی ایران و نظریه ژئوپلیتیک در تحلیل سیاست خارجی مصر.

در تقسیم‌بندی ابزارهای سیاست خارجی، اقتصاد و فرهنگ دو پایه اصلی در دیپلماسی به شمار می‌روند. از می‌ان این دو، فرهنگ ابزاری نافذ و منعطف است. در بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی، فرهنگ، ایدئولوژی و مذهب مهم‌ترین معیارهای تدوین و اجرای دیپلماسی هستند. تنظیم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس معیارهای اسلام در مقدمه و اصول مختلف قانون اساسی بارها تکرار شده است:

- اصل دفاع از حقوق همه مسلمانان از اصل ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی منتج شده است.
- تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان برگرفته از اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی است.
- ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی و وحدت جهان اسلام در اصل ۱۱ قانون اساسی بیان شده است (سریع القلم، ۱۳۷۹، صص ۵۲-۵۴).

در اندیشه حاکم بر روابط بین‌الملل سازه‌انگاری نزدیک‌ترین مفهوم را از هویت‌های اجتماعی و فرهنگی ارائه می‌دهد. دیدگاه سازه‌انگارانه به این امر می‌پردازد که چگونه هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم می‌تواند با روابط نهادینه می‌ان آنها گسترش یابد. از آنجا که مواضع در روابط اجتماعی ریشه دارد و نه به شکل تحلیلی و ماقبل آن، لزوماً نسبت به نوع تعامل می‌ان دولت‌ها و همکاری یا تعارض می‌ان آنها نه می‌توان خوش بین بود و نه بدبین. روابط

دولت‌ها با هم براساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائلند و نه توزیع قدرت، در اینجا است که هویت به موضوعی مهم تبدیل می‌شود (هادیان، ۱۳۸۲، ص ۲۰). هویت به معنای فهم‌های نسبتاً ثابت و مبتنی بر نقش خاص از خود و انتظارات از دیگران است. کنشگران منافع و هویت را از طریق مشارکت در معانی جمعی به دست می‌آورند، یعنی همان معانی که ساختارها را تعریف می‌کنند و به کنش‌های ما سازمان می‌دهند. سازه‌انگاری به سیاست‌گذار خارجی می‌گوید باید اهدافی را برای دولت خود تعیین کند که با توجه به زمینه گفتمانی بین‌المللی و فهم بین‌الادعایی حاکم بر آن امکان تحقق داشته باشد و گزینه هزینه‌های آن از مزایایش می‌تواند بیشتر شود (همان، ص ۴۲). اما طبق نظریه ژئوپلیتیک در صورتی که یک منطقه جغرافیایی در شرایط بالقوه یا بالفعل از عناصر فیزیکی تاثیرگذار در صحنه بین‌المللی برخوردار باشد، به صورت یک منطقه ژئوپلیتیک در صحنه ظاهر می‌شود. در یک منطقه ژئوپلیتیک عوامل و متغیرهای طبیعی و انسانی آن دارای کارکرد سیاسی بوده و نظر دولت‌ها و کشورهای درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای و به ویژه قدرت‌های جهانی را به خود جلب می‌کند و کنش و واکنش آنها و پیدایش الگوی رقابت، همکاری و نزاع را بر می‌انگیزاند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۱). در این بین برخی از کشورها به صورت انفرادی دارای موقعیت ژئوپلیتیکی هستند. این موقعیت به دارنده آن مزایای قاطع نظامی، سیاسی یا اقتصادی در مقابل رقبا یا دشمنانش اعطا می‌کند (R. D. Dikshit, 1982, p33). از سوی دیگر هر موقعیت مرکزی موقعیتی راهبردی است. بنابراین موقعیت‌های راهبردی مرکزی دارنده خود را در معرض آثار مثبت و منفی ناشی از رفت و آمدهای زیاد بین‌المللی نیز قرار می‌دهند. موقعیت راهبردی در شرایط استقلال و قدرت کشور دارنده، بیشترین مزایا را به همراه دارد و در غیر اینصورت ممکن است به عاملی برای مطامع قدرت‌های بزرگ‌تر منطقه‌ای و جهانی تبدیل شود.



<http://mappery.com>

### ۱- رویکرد انقلاب اسلامی نسبت به موضوع فلسطین

انقلاب اسلامی ایران، در یکی از مناطق استراتژیک جهان و زمانی اتفاق افتاد که «نظام دو قطبی» به رهبری ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در اوج رقابت بر سر موضوعات مهم بین‌المللی بودند. پیروزی انقلاب اسلامی، صرف نظر از ابعاد مردمی و مذهبی آن، تا حدی متأثر از شکل بندی نوین نظام بین‌الملل و بازیگران مسلط

آن می‌باشد. از سوی دیگر، انقلاب اسلامی ایران با توجه به ویژگی‌های انحصاری آن، تأثیرات و بازتاب‌های مهمی بر نظام بین‌الملل داشته است. تغییرات اساسی در نحوه رفتار رهبران انقلابی این کشور با اکثر کشورها، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های خارجی و فراملیتی و بیش از همه، با ملت‌های مسلمان و جنبش‌های آزادی‌بخش، نمودی از این تأثیرات فراگیر است.

در خصوص تقسیم‌بندی تأثیرات پیروزی انقلاب اسلامی بر روابط بین‌الملل، بایستی بین موضوعات سیاست بین‌الملل به طور خاص و روابط بین‌الملل به طور عام، تفکیک قایل شد، چراکه در مطالعه‌ی سیاست بین‌الملل به طور عمده، روابط واحدهای رسمی حکومتی با یکدیگر مورد توجه قرار می‌گیرند. به بیان دیگر رفتارها و کارکردهای بین‌المللی تا آنجا مورد نظر قرار دارند که به نوعی از سوی دولت‌ها صورت می‌پذیرد، حال آنکه روابط بین‌الملل، مجموعه اقدامات و کنش‌های متقابل واحدهای حکومتی و نیز نهادها و سازمان‌های غیر دولتی و همچنین روندهای سیاسی می‌ان ملت‌ها را دربر می‌گیرد (قوام، ۱۳۸۲: ۱۳).

با توجه به چنین تفاوتی، می‌توان گفت پیروزی انقلاب اسلامی ایران کمتر بر سیاست بین‌الملل، نسبت به دیگر موضوعات روابط بین‌الملل تأثیر گذاشته است. چنانچه یکی از اهداف عالی‌ی این انقلاب، بیداری و آگاهی مسلمانان و افزایش فعالیت‌های مؤثر اسلامی در جوامع اسلامی و در مجموع، به پاخیزی ملل مسلمان و مستضعف جهان بوده است. آیت‌الله خمینی رهبر وقت انقلاب اسلامی همواره بر حمایت از نهضت‌های رهایی‌بخش به عنوان بازیگران نوین نظام بین‌الملل تأکید داشت. "مستضعفان جهان بپاخیزید و خود را از چنگال ستمکاران جنایت کار نجات دهید" (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۲۳).

اصولاً هدف از صدور انقلاب اسلامی از نظر رهبران انقلابی آن، نگاه به ملت‌ها (مسلمان و غیر مسلمان) به جای دولت‌ها بود. البته می‌زان تأثیر و بازتاب‌های انقلاب ایران در همه‌ی جوامع یکسان نبوده است، بلکه با توجه به درجه و می‌زان اهمیت جوامع و مناطق مختلف، نزد رهبران انقلابی و می‌زان علاقه‌ی این جنبش‌ها و ملت‌های این مناطق، به اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی در جهت پیروزی اهدافشان و نیز قرابت‌های فکری، مذهبی و فرهنگی این جنبش‌ها و گروه‌ها با انقلاب اسلامی ایران، متفاوت بوده است. آیت‌الله خمینی معتقد بود انقلاب اسلامی ایران می‌تواند با صدور ارزش‌های خود، نقشی عمده در بیداری و آگاهی مسلمانان جهان داشته باشد و بدین ترتیب به ارائه‌ی چهره‌ی واقعی از اسلام منجر شود (دهشیری، ۱۳۸۰: ۴۲).

از جمله اموری که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، بخشی از هویت جمهوری اسلامی ایران بوده و نظام همواره درصدد تقویت آن بر آمده «حمایت از فلسطین و مخالفت با اسرائیل» است. طبیعی است این سیاست ارزشی در رقابت با سیاست‌های ارزشی دولت‌های مقابل و ذی نفع قرار می‌گیرد. به طور کلی می‌توان گفت تمامی دولت‌ها، کم و بیش دارای ارزش‌هایی هستند که در عرصه بین‌الملل به رقابت می‌پردازند. از این رو سیاست بین‌الملل به عرصه رقابت ارزش‌ها می‌ماند که در آن سیاست‌گذاری‌ها کمتر منبعث از شرایط عینی و مادی محیطی و بیشتر توسط داوری‌های حاکمان و نوع نگاه آنها به موضوعات بین‌المللی تعیین می‌شوند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط ایران و اسرائیل دچار تحولی عمیق و اساسی گردید و دوستی دیروز تبدیل به بزرگ‌ترین دشمنی در سطح منطقه و جهان شد. اندیشه‌ی صدور انقلاب اسلامی مبتنی بر ایدئولوژی اسلام از یک

سو و تحقیق‌اندیشه‌ی نیل تا فرات بر مبنای ایدئولوژی صهیونیسم از سوی دیگر، تقابلی جدی را در روابط دو طرف ایجاد کرد. این تقابل، تأثیرات خود را در عرصه‌های مختلف آشکار ساخت. جهت‌گیری سیاست خارجی ایران بر عدم مشروعیت دولت اسرائیل، موضع ایران در قبال روند سازش برخی کشورهای عربی و اسرائیل و حمایت از گروه‌های جهادی فلسطینی از مصادیق بارز این تقابل است. انقلاب اسلامی ایران، علاوه بر آنکه الگویی جدید جهت شکل‌گیری حکومت‌های اسلامی ارائه داد، باعث تغییرات و تحولات مهمی در ایدئولوژی‌های جنبش‌های مبارزاتی به ویژه در سرزمین فلسطین شد. به گونه‌ای که رهبران این جنبش‌ها به این مسأله اذعان دارند که پیروزی انقلاب اسلامی ایران توانست تحول بزرگی در نوع و روش مبارزات آنها و شکل‌گیری جنبش‌های جدید و به وجود آمدن پیش زمینه‌هایی جهت برقراری یک نظام حکومتی با زیرساخت‌های اسلامی ایجاد کند (محمدی، ۱۳۷۷: ۲۴۹). از جمله شعارهای اولیه در نهضت آیت الله خمینی، «ضرورت دفاع از مظلومان جهان» بود که مسأله فلسطین و حمایت از حقوق فلسطینی‌ها در صدر اهداف رهبران آن قرار داشت، چرا که انقلاب اسلامی ایران بر باورهای اسلامی مردم استوار و مسأله فلسطین بخشی از این باورها بود (رنجبر، ۱۳۷۸: ۷۵). از اینرو در کمتر از یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یاسر عرفات به همراه چند تن از مقامات بلند پایه‌ی فلسطینی از ایران دیدار کردند و در این دیدار آیت الله خمینی با اعلام جمله‌ی مشهور «امروز ایران، فردا فلسطین»، سیاست آزادی قدس به عنوان اولویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی تعیین شد. اصولاً از دیدگاه آیت الله خمینی، تأسیس حکومت اسلامی اولویت اول ایرانی‌ها و آزادی بیت المقدس و سرزمین فلسطین، مهم‌ترین دغدغه‌ی فکری و اولویت جهان اسلام بود (پاشاپور، ۱۳۸۱: ۵۱).



<http://irancoasts.pmo.ir>

## ۲- بنیادهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به گروه‌های جهادی فلسطین

با نگاهی به متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، می‌توان اهداف راهبردی سیاست خارجی این کشور و تأثیری که در حمایت از مردم فلسطین داشته است را استخراج کرد:

الف) دفاع از حقوق مسلمانان: جمهوری اسلامی ایران خود را متعهد و ملتزم به حمایت از مسلمانان در سراسر جهان می‌داند. بر اساس بند شانزدهم اصل سوم قانون اساسی، تنظیم سیاست خارجی کشور "بر اساس معیارهای اسلام،

تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مسلمانان جهان" است (اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

ب) حمایت از مستضعفان: یکی از اهداف مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طبق قانون اساسی حمایت از مردم مستضعف جهان و مبارزه با استکبار جهانی می‌باشد. از دیدگاه جمهوری اسلامی وضعیتی که اکنون در سرزمین فلسطین شاهد آن هستیم، نمود واقعی و عینی قیام مردم مسلمان و مستضعف فلسطین علیه اسرائیل می‌باشد. لذا طبق اصل ۱۵۴ قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران خود را متعهد و ملتزم به حمایت و یاری رساندن به مردم مظلوم فلسطین می‌داند (اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

ج) تشکیل امت واحد جهانی: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر لزوم تشکیل امت واحد جهانی بر مبنای اتحاد و ائتلاف دنیای اسلام، بلکه جهان بشریت از طریق مبارزه مستمر برای نجات ملل محروم و مستضعف در تمامی جهان تاکید کرده است. در مقدمه قانون اساسی ذکر شده "قانون اساسی با توجه به محتوای انقلاب اسلامی ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند (مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

د) حمایت از نهضت‌های رهایی بخش: بر اساس اصل ۱۵۴ قانون اساسی "جمهوری اسلامی در عین خودداری از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند" با این تفاسیر مبارزه و انتفاضه مردم فلسطین نیز در قالب نهضت‌های رهایی بخش قرار گرفته که بر اساس اصل ۱۵۴ قانون اساسی، جمهوری اسلامی باید از آن حمایت کند (اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

از دیدگاه رهبران انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، «مسأله فلسطین» نه یک موضوع جهان عرب، بلکه موضوع جهان اسلام است. تعیین روز قدس در جمعه آخر هر ماه رمضان توسط آیت الله خمینی، به منظور یادآوری این امر بود. از دیدگاه مقامات ارشد جمهوری اسلامی، اسرائیل هیچ راه حلی جز زور نمی‌شناسد و باید با آن با زبان زور برخورد کرد. ملت فلسطین نباید دل در گرو اقدامات احزاب و گروه‌های سیاسی ببندد، بلکه باید خود قیام کند و مانند مردم ایران حق خود را بستاند. کارکرد انقلاب اسلامی ایران به گونه‌ای بود که در سال ۱۳۶۰ش جمهوری اسلامی، طرح تشکیل دولت فلسطینی در ساحل غربی رود اردن را مردود دانسته و بر این امر تاکید داشت که اسرائیل غاصب بوده و بایستی ماهیت حقوقی آن دگرگون شود و در این راستا، تمامی سرزمین فلسطین به صاحبان اصلی و واقعی آن باز گردد (روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱/۱/۱۷).

## ۲-۱- عوامل موثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال فلسطین

جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود با الهام از منویات آیت الله خمینی و اصول قانون اساسی، خود را ملزم و متعهد به حمایت از مبارزات گروه‌های فلسطینی علیه اسرائیل می‌داند. بر این اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال مسأله فلسطین دارای چند محور اصلی است که عبارتند از:

۱- عدم شناسایی موجودیت اسرائیل: تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران به عنوان یک هم پیمان نظامی و استراتژیک با اسرائیل در منطقه همکاری می‌کرد. رابطه نزدیک می‌ان اسرائیل و ایالات متحده امریکا این فکر را در

محمدرضا پهلوی تقویت می‌کرد که داشتن مناسبات حسنه با اسرائیل به رابطه او با واشنگتن کمک خواهد کرد و او را قادر خواهد ساخت حسن نیت جامعه یهودیان آمریکا را به خود جلب کند. اما جمهوری اسلامی، اسرائیل را به عنوان دولت مورد شناسایی قرار نداده و معتقد است که این رژیم با حمایت بریتانیا و در ادامه با حمایت ایالات متحده آمریکا، سرزمین فلسطین را از دست مسلمانان خارج ساخته و از این طریق اعلام موجودیت کرده است (متقی، ۱۳۷۶: ۲۵-۲۰).

۲- مخالفت با قراردادهای سازش: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مخالفت با هرگونه سازش و فرایند به اصطلاح صلحی است که در آن حقوق حقه مردم فلسطین تضییع شده و به اعتبار آن اسرائیل برای خود ایجاد حق می‌کند. از این روی از همان آغاز، جمهوری اسلامی ایران مخالفت خود را با قرارداد کمپ دیوید (که در آن شناسایی موجودیت اسرائیل از سوی حکومت مصر صورت گرفت) به صراحت اعلام کرد که البته این موضع صریح ایران منجر به قطع روابط ایران و مصر شد.

۳- افشای چهره واقعی اسرائیل در مجامع بین‌المللی: جمهوری اسلامی ایران با استفاده از ظرفیت‌های گوناگونی مانند سازمان ملل متحد، کنفرانس‌های بین‌المللی، رسانه‌های گروهی و... همواره تلاش کرده است تا افکار عمومی جهان را متوجه مسأله فلسطین کرده و واقعیت‌های موجود را در منظر دید ملل جهان قرار دهد.

۴- ایفای نقش فعال در سازمان کنفرانس اسلامی: برگزاری و مشارکت فعال در کنفرانس‌های بین‌المللی برای حمایت از حقوق مردم فلسطین و انتفاضه.

۵- حمایت از گروه‌های جهادی: بخش عمده‌ای از مخالفت و مبارزه با اسرائیل در داخل سرزمین‌های اشغالی از سوی گروه‌های مبارز اسلامی در کنار آحاد مردم فلسطین صورت می‌گیرد، گروه‌هایی چون جهاد اسلامی، حماس و فتح از گروه‌های عمده مبارزی هستند که با اتخاذ راهبرد نظامی و انجام عملیات‌های استشهادی با هدف دفاع از حقوق سرزمینی مردم فلسطین در جریان انتفاضه به مبارزه مسلحانه با اسرائیل پرداخته‌اند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی در راستای تقویت انتفاضه و حمایت از گروه‌های جهادی فلسطینی است. تأسیس دفاتر این گروه‌ها در ایران مانند دفاتر حماس و جهاد اسلامی و تقویت توان مبارزاتی این گروه‌های جهادی از طریق همفکری، تعلیم و ارشاد و یا هر نوع کمک مادی و غیر مادی دیگر، از جمله سیاست‌های ثابت جمهوری اسلامی ایران در حمایت از گروه‌های جهادی فلسطینی در راستای تقویت و حمایت از جریان انتفاضه است.

۶- برپایی راهپیمایی‌ها و تظاهرات: هر چند این بخش از فعالیت جمهوری اسلامی ایران در راستای حمایت از انتفاضه فلسطین، از لحاظ مکانی، حوزه داخلی کشور را شامل می‌شود ولی از لحاظ انعکاس و بازتاب، حوزه جهانی را در بر می‌گیرد. اعلام آخرین جمعه ماه رمضان به عنوان روز جهانی قدس از سوی آیت الله خمینی و برپایی راهپیمایی‌های سراسری در این روز با هدف حمایت از انتفاضه فلسطین، باعث آگاهی و حساسیت بیشتر افکار عمومی جهان نسبت به مسأله فلسطین و همچنین باعث دل‌گرمی بیش از پیش مبارزان فلسطینی در جریان مقاومت و انتفاضه می‌شود.

۲- جایگاه سازمان جهاد اسلامی و جنبش حماس در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران



جمهوری اسلامی ایران پس از گرایش سازمان آزادی بخش فلسطین «ساف» به قومیت گرایی و حمایت از دولت عراق در طول جنگ ۸ ساله علیه ایران و به خصوص مواضع سازش کارانه این سازمان و رهبر وقت آن «یاسر عرفات» در برابر دنیای غرب، به ویژه ایالات متحده آمریکا تصمیم گرفت از گروه‌های فلسطینی دیگر، از جمله «سازمان جهاد اسلامی» و جنبش «حماس» که به مواضع نظام جمهوری اسلامی ایران نزدیکی‌های فکری بیشتری دارند حمایت کند.

## ۲-۲-۱- سازمان جهاد اسلامی فلسطین

یکی از عوامل بسیار مهم در تشکیل جنبش جهاد اسلامی فلسطین در سال ۱۹۸۰م پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بود. سازمان جهاد اسلامی فلسطین، ابتدا و قبل از شکل‌گیری، شاخه‌ای از اخوان المسلمین مصر بود که در غزه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی را برعهده داشت (سپهری اردکانی، ۱۳۸۲: ۶۲-۶۰). از آن جا که مبارزه با اسرائیل به طور جدی در برنامه‌ها و دستور کار «اخوان» قرار نداشت، جوانان انقلابی فلسطینی که خواهان مبارزه عملی و مسلحانه با اسرائیل بودند به گروه‌های جهادی فلسطینی از جمله «فتح» روی آوردند اما این گروه‌ها دارای تفکرات و گرایشات سوسیالیستی یا ملی‌گرایانه بودند و تمایلات اسلامی در آنها کمتر مشاهده می‌شد، بنابراین جوانان انقلابی مسلمان را که پیش از آن در اخوان المسلمین فعالیت می‌کردند، سرخورده و سردرگم کرد. در این میان شکست مبارزه با اسرائیل با انگیزه‌ها و شیوه‌های سوسیالیستی و ملی‌گرایانه، عامل مهمی در سردرگمی بیش از پیش این عده از جوانان مسلمان شد (فتحی شقاقی، ۱۳۷۵). پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این امید را در دل آنها زنده کرد که می‌توان با بهره‌گیری از دین اسلام و تعالیم آن و با تکیه بر انگیزه و ایمان قوی اسلامی، فصل جدیدی را در مبارزه با اسرائیل آغاز کرد. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، آغازی برای برقراری ارتباط معنوی و روانی بین این گروه جهادی و انقلاب اسلامی ایران و سپس گسترش و توسعه روابط بود به گونه‌ای که انقلاب اسلامی ایران از ابتدا تأثیرات عمیقی بر اعضای این سازمان داشته و پیوند فی‌مابین را بسیار عمیق و استراتژیک کرده است (سالمی قمصری و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۲۳).

## ۲-۲-۲- حرکت مقاومت اسلامی فلسطین (حماس)

جنبش حماس که ابتدا براساس فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی تأسیس شده بود، پس از گذشت چند سال، اقدامات نظامی را جهت دستیابی به اهداف خود، ضروری دانست. حماس، «جهاد» را تنها راه حل مسأله فلسطین و خارج ساختن فلسطین از کنترل اسرائیل را وظیفه مذهبی تمامی مسلمانان می‌داند. حماس، برخلاف سازمان آزادیبخش فلسطین که در سال ۱۹۸۸م اسرائیل را به رسمیت شناخته نه تنها همچنان مخالف سرسخت مشروعیت این رژیم بوده بلکه اساساً خواهان نابودی آن و مخالف ماهیت وجودی اسرائیل است (نعیم قاسم، ۱۳۸۳، ۸۹).

اگرچه «حماس» به‌اندازه حزب‌الله لبنان و جهاد اسلامی فلسطین به جمهوری اسلامی ایران نزدیک نیست، ولی به قدر کافی دیدگاه‌های حماس نسبت به موضوعاتی مانند: اسرائیل، مسأله فلسطین و اهمیت و جایگاه آن در جهان اسلام و هم چنین اهداف و منافع این گروه در روند صلح، با دیدگاه‌ها، اهداف و منافع جمهوری اسلامی ایران در موضوعات ذکر شده، نزدیک است و از سوی دیگر، حماس نیز تقریباً در سطح حزب‌الله لبنان و سازمان جهاد اسلامی فلسطین

از حمایت‌های سیاسی، تبلیغاتی و معنوی ایران بهره مند شده است. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران توانسته است از طریق ارتباط با حماس در معادلات منطقه ای مشارکت و تأثیر گذار باشد.

در خصوص تعارضات فکری اندیشه‌های شیعی ایرانی و تفکرات غالباً سنی جنبش‌های شکل گرفته علیه اسرائیل در فلسطین، به خصوص جنبش اسلامی حماسکه همزمان با انتفاضه‌ی اول شکل گرفت، باید گفت تا آنجا که به مقوله‌ی مبارزه با دشمن مشترک برمی‌گردد، نحوه‌ی مبارزه و یا طریق سازش، از جمله اختلافات قابل ذکر بین این جنبش‌ها و بین آنها با ایران است. در این زمینه، خالد مشعل در مصاحبه‌ای که با روزنامه‌ی الحیات انجام داده گفت: "در ایران ما با یک انقلاب اسلامی مواجه بودیم و شیعه بودن آن برای ما مهم نبود، زیرا در تاریخ اسلام، مذاهب متعددی نقش داشته‌اند. ما به عنوان فلسطینی، انتظارمان این بود که از هر پدیده و تحول جدیدی برای قدرت یافتن جهت مقابله با دشمن اشغال گر قدس استفاده کنیم. بنابراین نگاه ما به انقلاب نیز نگاهی مثبت بود، زیرا در آن نظامی روی کار آمد که با آمریکا و اسرائیل مخالف و از حمایت مردمی برخوردار بود... امام خمینی (ره) نیز با سخنان خود به حمایت از قضیه‌ی آرمان فلسطین برخاست و دشمنی خود را با رژیم صهیونیستی و آمریکا آشکارا نشان داد. این سخنان در وجدان فلسطینیان و امت‌های اسلامی و عربی تأثیر گذاشت" (تحولات جنبش حماس، ۱۳۸۳).



منبع: qoba.info

## ۲- اصول سیاست خارجی مصر

اساساً سیاست خارجی دولت‌ها، متأثر از متغیرهای متعددی است و واحدهای سیاسی در راستای اهداف و منافع تعیین شده، جهت‌گیری‌ها و استراتژی‌های گوناگونی را برمی‌گزینند. البته، این جهت‌گیری‌ها و استراتژی‌ها نیز بستگی به عواملی مانند: "تجربیات تاریخی، اعتقادات سیاسی و ایدئولوژیک، وضعیت ژئوپلیتیکی و کارکرد نظام بین‌الملل" دارد این عوامل می‌توانند در تدوین اصول ثابت سیاست خارجی کشورها، نقش اساسی داشته باشند (قوام، ۱۳۷۲: ۱۳۱).

با توجه به مسائل مطرح شده، در خصوص سیاست خارجی مصر در قبال مسأله فلسطین، می‌توان گفت: "سیاست خارجی مصر تحت تأثیر عوامل مختلفی شکل گرفته است که یکی از مهم‌ترین آنها، شرایط ژئوپلیتیک و همسایگی با فلسطین است" (حسینی و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۸۰). این کشور از نظر موقعیت استراتژیک، پل بین دو قاره «آسیا» و

«آفریقا» و همچنین پیوند دهنده دو راه آبی «دریای مدیترانه» و «اقیانوس هند» است موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی مصر سبب شده است، این کشور در منطقه خاورمیانه و قاره آفریقا، نقش مهمی ایفا کند (عزتی، ۱۳۷۹: ۳). موقعیت جغرافیایی مصر به گونه‌ای است که در طول ادوار گذشته، همواره قدرت‌های جهان برای ورود به خاورمیانه، از این کشور استفاده کرده‌اند. از سوی دیگر، امنیت مصر به کنترل رود نیل پیوند خورده چرا که آب رود نیل برای مصر جنبه حیاتی دارد. از نظر موقعیت استراتژیک، مصر در مرکز سه قاره آفریقا، جهان غرب و جهان اسلام قرار گرفته است. عامل دیگر تقویت موقعیت ژئوپلیتیک مصر، کانال سوئز است. این عامل تعیین کننده، بدون شک بر تمامی شوونات مصر تأثیر داشته و به عنوان یک اهرم قدرت در سیاست خارجی مورد استفاده قرار گرفته است. به گونه‌ای که بسیاری از صاحب نظران «کانال سوئز» را مهم‌ترین عامل تعیین کننده در می‌ان عوامل طبیعی و جغرافیایی مصر می‌دانند ([www.1cweb2.loc.gov/cgi-bin/query](http://www.1cweb2.loc.gov/cgi-bin/query)).

در اواخر دهه هفتاد می‌لادی، مصر برای باز پس گیری سرزمین‌های از دست داده در جریان جنگ اعراب و اسرائیل، به دیپلماسی آمریکا نزدیک شد و با امضای معاهده کمپ دیوید، ضمن باز پس گیری سرزمین‌های از دست رفته خود، از کمک‌های مالی و نظامی آمریکا نیز برخوردار شد ([www.1cweb2.loc.gov/cgi-bin/query](http://www.1cweb2.loc.gov/cgi-bin/query)). معاهده کمپ دیوید، موجب طرد مصر از اتحادیه کشورهای عرب و هم چنین فشار افکار عمومی به انور سادات، به عنوان رئیس جمهوری شد که به این معاهده تن داده بود. در حالی که توجیه سادات در خصوص عقد این معاهده، تامین منافع ملی مصر بوده است. این واقعیت را نیز نباید نادیده گرفت که در بسیاری از موارد، نظام اعتقادی محدودیت‌های بسیاری در عرصه انتخاب راه حل‌های گوناگون در سیاست خارجی به وجود می‌آورد. نمونه بارز آن، تحت فشار قرار گرفتن انور سادات از سوی افکار عمومی، پس از امضای معاهده کمپ دیوید و در نهایت ترور اوست.

موضوع مهم دیگر در بررسی اصول و مبانی سیاست خارجی مصر در قبال گروه‌های فلسطینی، زمینه‌های تاریخی و فرهنگی این کشور است. مصر، کشوری با فرهنگ و هویت ملی قوی است، از لحاظ دین و زبان به جهان عرب وابسته است، بر این اساس، این کشور به صورت طبیعی خود را رهبر جهان عرب دانسته و در نتیجه، دخالت کشورهای پیرامونی غیرعرب را در مسأله فلسطین برنتابیده، حتی حاکمان مصر تا پایان دوره حسنی مبارک، معتقد بودند این مسأله بایستی با رهبری و می‌انجیگری این کشور حل و فصل شود (Dilan, 1993: 21). از سوی دیگر، این کشور پرجمعیت‌ترین کشور عربی زبان و مرکز سیاسی و روشنفکری جهان عرب در دنیای مدرن است. مصر، همواره خود را رهبر جهان اسلام دانسته و از آن برای تقویت موقعیت خود در داخل بهره برده است. بنابراین می‌توان گفت: که این عوامل به صورت خودآگاه و گاه ناخودآگاه و مستقیم یا غیر مستقیم، تصمیم گیرندگان سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار داده و به صورت یکی از اصول و مبانی سیاست خارجی مصر درآمده است (حسینی و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۸۲).

### ۳- محورهای سیاست خارجی مصر و مسأله فلسطین

سیاست خارجی مصر، عمدتاً براساس محوریت توسعه اقتصادی و اجتماعی، حفظ امنیت ملی و مشارکت در صلح و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی تعیین شده است. بر این اساس، جهت‌گیری‌ها و محورهای عمده سیاست خارجی این کشور عبارتند از:

#### ۴-۱- تقویت روابط منطقه‌ای و بین‌المللی با حمایت از فرایند آزادسازی اقتصادی- اجتماعی

اصلاح ساختار با هدف مشارکت در اقتصاد جهانی، بهترین عامل برای دستیابی به توسعه اقتصادی واقعی در مصر انگاشته می‌شود. از این لحاظ، مصر یک عضو اصلی و شریک فعال در امور سازمان تجارت جهانی (WTO) است. هم‌چنین این کشور در پی تعمیق روابط اقتصادی خود با اقتصادهای عمده جهان از طریق ترتیبات دو جانبه‌ای مانند "پیوستن به اعلامیه مشارکت بین مصر و ژاپن، مشارکت برای توسعه نفوذ ایالات متحده و توافق با اتحادیه اروپا" است (web site of ministry of Foreign , trade-of egypt).

#### ۴-۲- مشارکت فعال با هدف ایجاد صلح در خاورمیانه

مصر اولین کشور عربی بود که در سال ۱۹۷۹م وارد یک قرارداد صلح با اسرائیل شد. این قرارداد براساس اصل « زمین در برابر صلح » بود که بر اساس آن، اسرائیل برای دستیابی به یک رابطه صلح آمیز عادی با مصر، از شبه جزیره سینا عقب‌نشینی کرد. با وجود این، مصر همیشه معتقد بوده برای تداوم صلح در خاورمیانه، بایستی طرفین مذاکره صلح، تمامی شرایط را در جهت اعمال این فرمول به کار ببرند. فرمولی که بر پایه آن، اسرائیل بایستی از تمامی سرزمین‌هایی که پس از سال ۱۹۶۷م اشغال کرده عقب‌نشینی و اجازه دهد تا یک دولت مستقل فلسطینی در بیت المقدس تأسیس شود و در عین حال، حقوق سیاسی آن را نیز به رسمیت بشناسد (حسینی و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۸۵).

#### ۴-۳- گسترش همکاری‌های عربی در تمامی حوزه‌ها

این موضوع ناشی از اعتقاد به اهمیت روزافزون «همگرایی منطقه‌ای در نظام جهانی شدن» است. علاوه بر پایه‌های سیاسی، فرهنگی و تاریخی همکاری درون عربی، مصر مدعی است این همکاری، به علت الزامات ناشی از برخورد با چالش‌ها و بهره‌وری از فرصت‌هایی که بر اثر پیامدهای بازار جهانی پدید آمده‌اند، ضروری است. بنابراین، این کشور عمدتاً از طریق ایجاد یک منطقه تجاری عربی و افزایش سرمایه‌گذاری درون عربی، فرایندهای احیای همکاری اعراب را رهبری کرده است (حسینی و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۸۴).

#### ۴-۴- گسترش همکاری‌های جنوب-جنوب

اولویت‌های مصر در این زمینه عبارتند از: تقویت قطعنامه‌های منطقه‌ای صلح آمیز و در این راستا، حل تعارضات داخلی می‌ان و درون کشورهای در حال توسعه با تاکید بر نقش مکانیسم‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای در این فرایندها از طریق گروه بندی کشورهای اسلامی و در مقیاس بزرگ‌تر، کشورهای در حال توسعه از جمله کشورهای آفریقایی (حسینی و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۸۵).

## ۵- عوامل موثر بر سیاست خارجی مصر در قبال فلسطین

نمایندگان ملک فاروق پادشاه مصر، طی سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۵۲ م با نمایندگان اسرائیل در شهر لوزان سوئیس ملاقات‌ها و مذاکراتی داشتند و این مذاکرات سری می‌ان طرفین در دوران ناصر و سادات با تشویق آمریکا و همکاری برخی از کشورهای منطقه مانند ایران (دوران محمدرضا پهلوی) و مراکش تکرار شد، ولی سیاست‌های اسرائیل در راستای ممانعت از رسیدن طرفین مذاکره به نتایج مورد نظر بوده است. به رغم ادبیات ملی‌گرایانه عربی و رادیکال حاکمان مصر بین سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۷م، مرزهای این کشور با اسرائیل بسیار آرام بود. مصر در زمان جمال عبدالناصر به واسطه یک دولت قوی که علاوه بر بازسازی جامعه و اقتصاد، خواهان بازسازی هویت‌های فرهنگی و سیاسی کشور که مطابق با نگرش‌های نخبگان حاکم جدید بود، متحول شد. هنگامی که اسرائیل درصدد تکمیل پروژه تغییر مسیر آب رودخانه اردن برآمد و سوریه نیز حمایت خود را از اقدامات نظامی فلسطینی‌ها افزایش داد، جمال عبدالناصر به واسطه اینکه فکر می‌کرد سوریه از این راه درصدد کاهش منزلت مصر نزد فلسطینیان است، از رویارویی با اسرائیل امتناع کرد (Karawan, 1994:260).

پس از جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳م و در پی سیزده روز مذاکرات سری می‌ان نمایندگان سادات رئیس‌جمهور وقت مصر و بگین نخست وزیر وقت اسرائیل، مصر و اسرائیل تحت وساطت آمریکا به توافق رسیدند. قرارداد صلحی را امضاء و روابط دو کشور را برقرار کنند. در کمپ دیوید (هشتاد کیلومتری واشنگتن) در هفدهم سپتامبر سال ۱۹۷۸م دو قرارداد می‌ان سادات و بگین امضا شد.

جیمی کارتر رئیس‌جمهور وقت آمریکا که نقش می‌انجی را بین مصر و اسرائیل بر عهده داشت، گفت: این دو قرارداد، راه استقرار صلح و ثبات در خاورمیانه را باز می‌کند. کارتر به عنوان «شاهد» این قرارداد را امضا کرد. قرارداد اول که مربوط به صلح می‌ان مصر و اسرائیل بود امضاء شد و به موجب آن صلح نهایی می‌ان مصر و اسرائیل برقرار و اسرائیل تعهد کرد صحرای سینا را تا آوریل سال ۱۹۸۲م از نیروهای نظامی خود تخلیه و پس از آن می‌ان طرفین روابط دیپلماتیک برقرار شود. قرارداد دوم، مربوط به صلح عمومی در منطقه خاورمیانه بود و مقرر شد طی پنج سال آینده یک حکومت خودمختار در غرب اردن و غزه به وجود آید. به موجب این قرارداد، نیروهای اسرائیلی از بخش اعظم سرزمین‌های اشغالی خارج شده و نمایندگان مصر، اسرائیل، اردن و فلسطین در مورد استقرار صلح تصمیم‌گیری کنند (www. siasatema. com).

فلسطین، مؤثرترین عامل در روند روابط قاهره و تل‌آویو بوده است. مسأله فلسطین جایگاه ممتازی در سیاست خارجی مصر و اولویت‌های آن دارد.

۱- مصر همواره تأکید کرده «مسأله فلسطین» اولویت نخست و سرنوشت ساز جهان اسلام و دنیای عربی بوده و از این رهگذر، قاهره حامی فلسطینی‌ها جهت استیفای حقوق حقه آنها است.

۲- ازدیدگاه مصر تلاش‌ها جهت تحقق صلح، امنیت و ثبات در جهان، بدون تعامل جدی با مسأله فلسطین و منازعه اعراب و اسرائیل موفقیت آمیز نخواهد بود (الکتاب الفصوص، ۲۰۰۷).

۳- مصر بر ضرورت تلاش‌های مجدانه برای حل عادلانه و فراگیر منازعه اعراب و اسرائیل تأکید داشته، این تلاش‌ها به طور مستقیم در خدمت صلح و امنیت جهانی و به ثبات منطقه خاورمیانه کمک می‌کند.

۴- مصر آمادگی خود را جهت کمک به هر گونه تلاش برای حل مسأله فلسطین و ختم منازعه اعراب و اسرائیل اعلام کرده است.

۵- به نظر حاکمان مصر چهار امر اساسی می‌تواند به روند صلح خاورمیانه کمک کنند که عبارتند از:

الف - تعلیق ساخت و ساز شهرک‌های صهیونیست نشین در سرزمین فلسطین

ب - توقف عملکرد کانون‌های تنش زا در امر شهرک سازی

ج - بازگشایی دفاتر فلسطینی‌ها در بیت المقدس (که در دوران انتفاضه توسط اسرائیل بسته شدند)

د - لغو سیاست شهرک سازی به ویژه در کناره غربی رود اردن

۶- مصر مراجع قانونی زیر را برای حل مسأله فلسطین به رسمیت شناخته که عبارتند از:

الف - قطعنامه‌های شورای امنیت به شماره‌های ۱۵۱۵، ۳۳۸، ۲۴۲

ب - اصل زمین در مقابل صلح (چارچوب مورد قبول اعراب جهت برپایی صلح در منطقه)

ج - به دست گیری ابتکار عمل صلح اعراب و اسرائیل با هدف برقراری ثبات در منطقه

عوامل فوق در تشدید تنش می‌ان مصر و اسرائیل موثر بوده‌اند. از گذشته تاکنون به رغم قراردادهای صلح متعدد می‌ان مصر و اسرائیل، غالباً روابط مصر و اسرائیل با تنش همراه بوده است. چنانچه روابط سرد مصر و اسرائیل، نه تنها بازتابی از گذشته است، بلکه نشان از رقابت خاورمیانه‌ای آنها با یکدیگر نیز دارد. مهم‌ترین می‌دان این رقابت «مسأله فلسطین» است.

از زمان امضای موافقت نامه صلح مصر و اسرائیل در سال ۱۹۷۹ م، روابط دو کشور همچنان سرد بوده است و طی دو دهه گذشته، تنش‌های متعددی در روابط آنها رخ داده است (W. stein, 1997).

در سال ۱۹۸۰م پارلمان اسرائیل، شهر بیت‌المقدس را با دو بخش شرقی و غربی، پایتخت ابدی این رژیم اعلام کرد. این حادثه خشم عمومی مردم مصر را برافروخته و سبب توقف روند عادی سازی روابط مصر با اسرائیل شد.

خشم مردم مصر در ترور دیپلمات‌های اسرائیلی در قاهره بروز یافت، به طوری که در ژوئن سال ۱۹۸۴م، ۲۰ اوت سال ۱۹۸۵ م و ۱۹ مارس سال ۱۹۸۶م دیپلمات‌های اسرائیلی در قاهره مورد حمله قرار گرفتند. در این حملات، تعدادی از افسران اطلاعاتی و چند نفر از کادرهای سیاسی سفارت اسرائیل در قاهره کشته شدند.

برخی اموری که اوضاع داخلی مصر و روابط این کشور با اسرائیل را تحت تأثیر قرار داده عبارتند از:

۱ - شکست گفتگوهای حکومت خودگردان فلسطین با اسرائیل

۲ - بمباران راکتورهای هسته‌ای عراق از سوی اسرائیل در ژوئن سال ۱۹۸۱م

۳- اجرای قوانین اسرائیل در بلندی‌های جولان در دسامبر سال ۱۹۸۰م

۴- تهاجم اسرائیل به لبنان در ژوئن سال ۱۹۸۲م و قتل عام آوارگان فلسطینی در اردوگاه‌های صبرا و شتیلا در دسامبر سال ۱۹۸۲م

۵- حضور مداوم نیروهای اسرائیلی در جنوب لبنان

۶- توسعه اسکان یهودیان در سرزمین فلسطین

۷- بمباران مرکز فرماندهی سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) در تونس در اکتبر سال ۱۹۸۵ م

- ۸- اداره فلسطینی‌های نوار غزه و کرانه باختری توسط اسرائیل
  - ۹- ظهور انتفاضه فلسطین و اداره آن از سوی اسرائیل پس از دسامبر سال ۱۹۸۶م
  - ۱۰- مهاجرت یهودیان شوروی سابق به سرزمین فلسطین از سال ۱۹۸۸م تا سال ۱۹۹۱م (که تهدیدی جدی برای کنترل جمعیت فلسطین در کرانه باختری بود)
  - ۱۱- تبعید مخالفان عضو گروه حماس به لبنان در دسامبر سال ۱۹۹۲م
  - ۱۲- کشتار فلسطینی‌ها در مسجد الخلیل در سال ۱۹۳۹م
  - ۱۳- حفر تونلی در نزدیکی دیوار غربی بیت المقدس در دسامبر سال ۱۹۹۶م
  - ۱۴- تأخیر در به اجرا درآوردن توافق نامه الخلیل در سال ۱۹۹۶م (W. stein, 1997).
- بنابراین می‌توان گفت: « باوجود انعقاد قرارداد صلح، روابط مصر با اسرائیل هیچ گاه دوستانه یا عادی نبوده است» به گونه‌ای که هرگاه دولت مصر موضعی بر ضد اسرائیل اتخاذ کرده، تمامی احزاب موافق و مخالف دولت، از این موضع گیری حمایت کرده‌اند، زیرا رژیم صهیونیستی همواره در نظر مردم مصر، خطری برای منطقه تلقی شده است. در واقع سیاست‌های مصر در قبال اسرائیل دچار تناقض و ابهام شده است. این در حالی است که این کشور، اسرائیل را به علت عدم امضای پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به باد انتقاد گرفته و بر این اساس، روابط دو طرف به سردی گراییده است (اطهری، ۱۳۸۰: ۵۱).
- مصر در چارچوب نقش منطقه‌ای خود، از گفتگوهای صلح پشتیبانی و توقف عادی شدن روابط کشورهای عربی با اسرائیل تا زمان تحقق صلح عادلانه و فراگیر را پیشنهاد کرده است. این کشور همچنین خواستار عقب‌نشینی اسرائیل از سرزمین‌های اشغال شده اعراب، برپایی دولت فلسطین با پایتختی قدس و توقف شهرک‌سازی بوده است. مصر همواره تلاش‌های اسرائیل برای نافرجام گذاشتن روند صلح، شانه خالی کردن از اجرای موافقت‌نامه‌ها و سیاست شهرک‌سازی را نکوهش کرده است. این کشور در اعتراض به اقدام رژیم صهیونیستی در بمباران غزه در سال ۲۰۰۰م، سفیر خود را از تل آویو فرا خواند. مصر در طول سه دهه صلح خود با اسرائیل، تنها یک بار سفیر خود را فرا خوانده است. این اقدام در سال ۱۹۸۲م و در پاسخ به تهاجم اسرائیل به لبنان صورت گرفته و سردی روابط ناشی از آن، چهار سال به درازا کشید.
- در واقع حاکمان مصر در مورد نحوه مواجهه با جنبش‌های فلسطینی، بر سر دوراهی قرار داشته‌اند. از یک‌سو گرایشی به خشمگین کردن آمریکا نداشته و به این علت روابط سیاسی خود با اسرائیل را ادامه داده و از سوی دیگر از تظاهرات خیابانی به نفع فلسطینی‌ها سخت نگران بوده‌اند. به سبب این که رسانه‌های ماهواره‌ای با پخش اخبار مربوط به فلسطین بر افکار عمومی این کشور تاثیر گذار بوده‌اند. ترور انور سادات در سال ۱۹۸۱م همواره در ذهن سیاست‌گذاران مصر زنده مانده و بر نحوه تصمیم‌گیری آنان اثر گذاشته است. خالد اسلامبولی در بازجویی‌های خود اظهار داشت: "مهمترین علت قتل سادات، صلح او با اسرائیل بوده است." بر همین پایه، حاکمان مصر تا پایان حکومت حسنی مبارک راه‌حل مسأله فلسطین را در مهار گروه‌های جهادی فلسطینی و برگزاری نشست‌های دیپلماتیک دانسته‌اند. در سایه این راهکار:
- ۱- مصر به عنوان کانون فعالیت‌های دیپلماتیک خاورمیانه مطرح می‌شد

۲- مصر با افزودن بر حجم و دامنه لفاظی‌های سیاسی ضد اسرائیلی، از شک و تردید دیگران نسبت به وفاداری خود به آرمان فلسطین می‌کاست (جعفری ولدانی، ۱۳۸۵: ۳۰).

#### ۵-۱- عوامل موثر در حمایت مصر از حکومت خودگردان و گروه فتح

۱- عقد قرار دادهای صلح با اسرائیل با هدف تسری صلح به صلحی فراگیر

۲- کسب منافع ملی و منطقه‌ای (منافع سیاسی و اقتصادی)

۳- تعدیل مواضع طرف‌های درگیر و مهار بنیادگرایی اسلامی در منطقه و اعمال فشار دیپلماتیک بر اسرائیل

۴- تعامل اقتصادی منطقه‌ای با هدف جذب توریست و نادیده انگاشتن احکام اسلام

۵- برقراری روابط حسنه با غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا (ایفای نقش پل ارتباطی بین جهان عرب و دنیای

غرب با هدف جذب سرمایه‌های عربی و غربی)

۶- داعیه رهبری بر جهان اسلام و کشورهای عربی (افزایش مشروعیت عربی با هدف بازیابی جایگاه سنتی مصر در

جهان عرب)

۷- رقابت با دیگر کشورهای تأثیرگذار منطقه از جمله ایران، عربستان و ترکیه

۸- اتخاذ سیاست خارجی واقع‌گرا با هدف ایفای نقش تعدیل‌کنندگی و ثبات‌دهندگی

در واقع مصر تا پایان حکومت حسنی مبارک به دلایل فوق از حکومت خودگردان فلسطین و گروه‌های ملایم و

سازشکار، مانند گروه فتح حمایت کرده است.

#### ۵-۲- شباهت‌ها و تفاوت‌ها در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران و مصر در قبال فلسطین

در سیاست خارجی ایران، هرچند در مقاطعی رگه‌هایی از واقع‌گرایی و عمل‌گرایی دیده شده، اما عنصر آرمان‌گرایی

همیشه بر آن غالب بوده است. به نظر چارلز تریپ، جمهوری اسلامی ایران همواره اصول انقلاب اسلامی را مقدم بر

هر امر دیگری شمرده، به گونه‌ای که «عمل‌گرایی» دوره ریاست جمهوری آیت الله هاشمی رفسنجانی و

«فرهنگ‌گرایی» دوره ریاست جمهوری سید محمد خاتمی سرانجام مغلوب مسایل ایدئولوژیک شده است (Chubin

and Tripp, 1996:62).

مهمترین تعارضات ایران و مصر در حوزه سیاست خارجی، مربوط به نوع روابط دو کشور با اسرائیل، فلسطین و

آمریکاست. مواضع دو کشور دست کم در این موارد اختلافاتی عمیق و تعارضاتی اساسی دارد. در سال‌های پس از

انقلاب اسلامی، حمایت از فلسطین و مخالفت با اسرائیل و آمریکا، همواره بر سیاست خارجی ایران سایه افکنده، در

حالی که ادامه روابط با اسرائیل و برقراری روابط نزدیک با آمریکا از اصول ثابت سیاست خارجی مصر تا پایان

حکومت حسنی مبارک بوده است.

در سیاست خارجی مصر، موقعیت جغرافیایی و عوامل ژئوپلیتیکی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. این کشور به علت قرار

گرفتن در محل تلاقی سه قاره آفریقا، آسیا و اروپا از موقعیت ژئوپلیتیکی مهمی برخوردار است. مصر کشوری است

که بخشی از آن در قاره آسیا (شبه جزیره سینا) و بخش دیگر آن در قاره آفریقا قرار دارد. همچنین مصر در حوزه

جنوبی دریای مدیترانه واقع شده و با کشورهای اروپایی همسایه است. این موقعیت ژئوپلیتیکی سبب شکل‌گیری



سیاست خارجی مصر بر اساس سه محور آسیاگرایی، آفریقاگرایی و اروپاگرایی شده است (عزتی، ۱۳۷۹: ۵-۲). این کشور از یک سو جزو کشورهای منطقه خاورمیانه بوده و به همین جهت، مایل است نقش عمده‌ای در مسایل این منطقه ایفا کند و همین امر موجب تنش و درگیری این کشور با کشورهای دیگر منطقه شده است.

در دهه شصت می‌لادی دخالت‌های مصر در امور داخلی یمن، سوریه و خلیج فارس موجب درگیری این کشور با عربستان سعودی، سوریه و ایران شد. در دهه هفتاد می‌لادی نیز انعقاد پیمان صلح با اسرائیل، خشم عمومی اعراب را برانگیخت، به طوری که مصر از اتحادیه عرب طرد و تمامی کشورهای عربی به غیر از عمان، روابط سیاسی خود را با این کشور قطع کردند. ایران نیز روابط خود را با مصر قطع کرد. در دهه هشتم می‌لادی انقلاب اسلامی ایران و سپس جنگ ایران و عراق و حمایت مصر از عراق، اختلافات ایران و مصر را تشدید کرد. در دهه نود می‌لادی نیز پیمان استراتژیک اسرائیل و ترکیه، موجب سردی روابط مصر با این دو کشور شد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۵: ۲۵). سیاست خارجی مصر در دوره جمال عبدالناصر بر خاورمیانه، جهان عرب و آفریقا متمرکز بوده و به اروپا و آمریکا، توجه چندانی نمی‌شد، حتی مصر در این دوره با اروپا بر سر کانال سوئز در سال ۱۹۵۶ م درگیر جنگ شد. جمال عبدالناصر با آمریکا نیز اختلاف و تنش بسیاری داشت. حمایت آمریکا از اسرائیل، انعقاد پیمان بغداد در سال ۱۹۵۵ م، دکترین آیزنهاور و دخالت آمریکا در بحران لبنان و اردن در سال ۱۹۵۸ م، مصر و آمریکا را از یکدیگر دور کرد. اما در دوره حسنی مبارک، سیاست خارجی مصر بیشتر بر مناطق جدید مانند اروپا، آمریکا و شرق دور متمرکز شده بود. اولویت‌های سیاست خارجی مصر در این دوره به شرح زیر است:

۱-۲-۵- پایبندی به قرارداد کمپ دیوید و ادامه روند صلح با اسرائیل:

حاکمان مصر در دوره انور سادات و حسنی مبارک مدعی بوده‌اند: این کشور با امضای قرارداد صلح با اسرائیل توانسته صحرای سینا را بازپس گرفته و ناحیه مورد اختلاف «طابا» را از طریق اقدامات حقوقی در سال ۱۹۸۷ م به مصر بازگردانده و روابط خود را با کشورهای عربی که به دنبال مذاکرات صلح قطع شده بود، بهبود بخشید. البته این کشور ناگزیر شده به منظور بهبود روابط خود با کشورهای عربی و ایفای نقش فعال منطقه‌ای، روابط خود را با اسرائیل محدود کند. بر این اساس، انتظار ایران از مصر مبنی بر اینکه روابط خود را با اسرائیل قطع و پیمان کمپ دیوید را لغو کند تاکنون بی‌نتیجه بوده است. حاکمان مصر در دوره انور سادات و حسنی مبارک بارها اعلام کرده‌اند که به روابط خود با اسرائیل ادامه داده و پیمان کمپ دیوید را نیز لغو نخواهند کرد. از نظر این افراد قرارداد کمپ دیوید به تاریخ پیوسته است.

۲-۲-۵- حفظ و گسترش روابط با آمریکا:

مصر از نظر مالی و اقتصادی نیازمند کمک‌های آمریکا است و از زمان به قدرت رسیدن حسنی مبارک، این کشور روابط خود را با آمریکا گسترش داده است. البته بهبودی روابط به مفهوم آن نیست که مصر با این کشور اختلاف نظر ندارد، زیرا دو کشور در مورد برخی مسایل مانند طرح خاورمیانه بزرگ، جزئیات مذاکرات صلح با اسرائیل و نوع نگاه در سیاست خارجی نسبت به کشورهای عراق، لیبی و سودان اختلاف نظر داشته‌اند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۱:



hamshahrionline.ir

## ۶- تعارضات فکری ایران و مصر در مورد اسلام سیاسی

تعارضات اصلی ایران و مصر را نه در حوزه‌های اقتصادی و تجاری، بلکه در حوزه‌های اندیشه سیاسی و ایدئولوژیک باید جستجو کرد. تهران و قاهره در تبیین نوع رابطه دین و سیاست در دو طیف کاملاً متفاوت واقع شده‌اند. پیامد طبیعی چنین فرایندی تعارض منافع دو کشور و اختلاف در نگرش‌های نافذ در تشخیص منافع و تحلیل مسایل منطقه و جهان است که غالباً به اتخاذ سیاست‌های متفاوت و بعضاً متعارض منجر شده است.

یکی از محوری‌ترین مباحث در بررسی مواضع ایران و مصر که به نوعی نمایانگر اختلافات شدید دو کشور در نظام مدیریت منطقه‌ای است، جهت‌گیری‌های متفاوت، در زیرسیستم شرق مدیترانه به ویژه نوع نگاه به گروه‌های جهادی است. با وجود آنکه ایران حضور فعال خود در منطقه مزبور را وظیفه‌ای اسلامی-ارزشی-ضرورت حمایت از مسلمانان مظلوم- می‌داند، مصر اقدامات ایران را مثبت ندانسته و نفوذ کشورهای غیرعربی در هسته عربی را برنمی‌تابد. حاکمان مصر تا پایان حکومت حسنی مبارک مدعی بودند حضور فعال ایران در حوزه کشورهای اسلامی، بسترسازی برای تشکیل محوری اسلام گرا و در نهایت شیعی است که به نظر آنها می‌تواند در دراز مدت چالشی عمده در برابر هژمونی طلبی این کشور باشد (قهرمان پور ۱۳۸۶: ۲۹).

### نتیجه‌گیری

یکی از محوری‌ترین مباحث در بررسی مواضع ایران و مصر، که به نوعی نمایانگر اختلافات شدید دو کشور در نظام مدیریت منطقه‌ای است، جهت‌گیری‌های متفاوت، در زیرسیستم شرق مدیترانه به ویژه نوع نگاه به گروه‌های جهادی است. با وجود آنکه ایران حضور فعال خود در منطقه مزبور را وظیفه‌ای اسلامی و ارزشی-ضرورت حمایت از مسلمانان مظلوم- می‌داند، مصر نفوذ کشورهای غیرعربی در هسته عربی را برنمی‌تابد. حاکمان مصر تا پایان حکومت حسنی مبارک مدعی بودند: حضور فعال ایران در حوزه کشورهای اسلامی، بسترسازی برای تشکیل محوری اسلام گرا و در نهایت شیعی است که به نظر آنها می‌تواند در دراز مدت چالشی عمده در برابر هژمونی طلبی این کشور باشد.

اولین مسأله عمده در شرق مدیترانه، نوع جهت‌گیری دو کشور در قبال تحولات فلسطین و گروه‌های جهادی آن است. با آغاز روند مذاکرات صلح می‌ان اعراب و اسرائیل و به ویژه پیمان «کمپ دیوید» می‌ان مصر و اسرائیل و نیز مسامحه رهبران حکومت خودگردان و گروه فتح در گفتگو با رژیم‌هایی که از سوی اکثر کشورهای منطقه به ویژه ایران، غاصب و نامشروع تلقی شده، تفاوت دیدگاه‌های شدیدی به وجود آمد. در حالی که ایرانی‌ها این اقدام مقامات سابق مصر را خیانت دانسته و آن را علت اصلی روی آوردن سایر کشورهای عربی به مذاکرات یکجانبه با اسرائیل قلمداد کرده‌اند، حاکمان مصر در دوره انور سادات و حسنی مبارک بارها تأکید کرده‌اند معاهده «کمپ دیوید» در پیوند با منافع و امنیت ملی این کشور بوده و ضمن اعاده بخشی از سرزمین مصر با برقراری ثبات، رونق اقتصادی - به ویژه توریسم را که از جمله منابع اصلی درآمدزایی این کشور محسوب می‌شود - را به دنبال داشته است.

عمق اختلافات دو کشور را می‌توان در مورد گروه‌های حماس و جهاد اسلامی مشاهده کرد. در حالی که ایران از مواضع حماس و جهاد اسلامی در تداوم مقاومت و عدم پذیرش مشروعیت اسرائیل حمایت کرده، حاکمان مصر تا پایان حکومت حسنی مبارک به عملکرد گروه‌های حماس و جهاد اسلامی تا حد بسیار زیادی بدبین بوده و این جهت‌گیری به دو دلیل اساسی است: ۱ - مواضع سازش‌ناپذیر گروه‌های حماس و جهاد اسلامی در برابر اسرائیل، به عنوان مانعی در برابر تلاش‌های مصر برای حل بحران تاریخی اعراب و اسرائیل ۲ - ریشه‌های فکری و جهادی گروه‌های حماس و جهاد اسلامی و پیوند آنها با گروه‌های اسلام‌گرا در مصر که همواره از جمله نگرانی‌های عمده حاکمان این کشور بوده است.

مجموعه این عوامل سبب شده، از سال ۲۰۰۶ م و با خروج گروه فتح از غزه و اتخاذ مواضع متعارض علیه دولت اسماعیل هنیه و گروه حماس، مصر با حمایت از محمود عباس، تشکیلات سازمان خودگردان را تنها سازمان مشروع و قانونی فلسطینی دانسته و از آن حمایت کند. بنابراین حمایت‌های ایران از گروه‌های حماس و جهاد اسلامی که به نوعی در تنافی با منافع حکومت مصر بوده، باعث تشدید اختلافات در نوع جهت‌گیری دو کشور ایران و مصر در جریان حمله اسرائیل به نوار غزه در طول جنگ ۲۲ روزه در سال ۲۰۰۷ م شد.

موقعیت ژئوپلیتیک و تمدنی ایران و مصر، شرایطی را به وجود آورده داعیه رهبری جهان اسلام و به طور خاص «هژمونی منطقه‌ای» همواره مد نظر تصمیم‌سازان دو کشور باشد. نکته قابل تأمل که به نوعی ریشه اختلافات را نیز می‌توان از آن دریافت، تفاوت دیدگاه‌ها در مدیریت امور منطقه‌ای است. بنابراین حوزه منافع، دو مسیر متفاوت را در پی داشته است که به نوعی ریشه اختلافات در ابعاد امنیت منطقه‌ای را نشان می‌دهد.

از یک سو، حاکمان مصر با محدودیت‌ها و مخالفت‌های جدی افکار عمومی مردم منطقه روبه‌رو بوده و از سوی دیگر، تلاش‌های ایران برای جلوگیری از اثرگذاری قدرت‌های فرامنطقه‌ای بر امور داخلی دولت‌های منطقه و کشورهای اسلامی، به نوعی منافع دو کشور را در دو مسیر متفاوت تعریف کرده است. محور دیگری که در ابعاد منطقه‌ای حائز اهمیت بوده، نقش اسرائیل، در تعیین روند روابط ایران و مصر در مناسبات دو جانبه است. هراندازه روابط مصر با اسرائیل نزدیک‌تر شده بر تیرگی روابط ایران و مصر افزوده شده است.

اکنون پیروزی انقلاب سال ۲۰۱۱ م در مصر، زمینه‌های نزدیکی مواضع این کشور و ایران را به ویژه در قبال مسأله فلسطین به وجود آورده و گروه‌های اسلام‌گرا پیروز انتخابات سال ۲۰۱۲ م پارلمان و نیز ریاست جمهوری مصر

شده‌اند، اما سرسختی نظامیان حاکم بر این کشور در برابر اراده مردم انقلابی هم چنان اوضاع سیاسی مصر، سطح روابط با ایران و موضع گیری شفاف مقامات جدید این کشور در قبال مسأله فلسطین را در هاله‌ای از ابهام فروبرده است.

## منابع

اطه‌ری، اسدالله (۱۳۸۰) *ایران و مصر: از دوره لیبرالی تا صلح دمکراتیک، ارزیابی سیاست خارجی خاتمی*، تهران، انتشارات همشهری.

الهیة العامه للاستعلامات المصریه، *الكتاب الفصوص ۲۰۰۷*، ماده القضیه الفلستینیه.

پاشاپور یوالاری، حمید (۱۳۸۱) *امام خمینی و انتفاضة فلسطین*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

حافظ نیا، محمد رضا، (۱۳۸۵)، *اصول و مفاهیم ژئوپلتیک*، مشهد، نشر پاپلی.

حسینی، مختار و دیگران (۱۳۸۱) *برآورد استراتژیک مصر*، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۰) *صحیفه نور*، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، چاپ دوم، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، وزارت ارشاد اسلامی.

دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۰) *درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

رنجبر، مقصود (۱۳۷۸) *ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

سالمی قمصری، مرتضی و حسن باقری (۱۳۸۱) *عملیات استشهادی چرا و چگونه*، تهران، نشر نذیر.

سپهری اردکانی، علی (۱۳۸۲) *سیری در تاریخ فلسطین: از آغاز تا پایان سال ۲۰۰۳ می‌لادی*، چاپ اول، تهران، اطلاعات.

سریع القلم، محمود، (۱۳۷۹) *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.

شقایقی، فتحی ابراهیم (۱۳۷۵) *جهاد اسلامی*، ترجمه سید هادی خسرو شاهی، تهران، انتشارات اطلاعات، تهران، انتشارات می‌راث ماندگار.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲) *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران، انتشارات سمت.

قوام، عبدالعلی (۱۳۷۲) *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران، انتشارات سمت.

محمدی، منوچهر (۱۳۷۷) *سیاست خارجی جمهوری اسلامی*، تهران، انتشارات نشر دادگستر.

نعیم، قاسم (۱۳۸۳) *حزب الله لبنان: خط مشی، گذشته و آینده*، تهران، انتشارات اطلاعات.

## مقالات

تحوالات جنبش حماس از زمان تأسیس تاکنون (۱۳۸۳) مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین، قابل دسترس در:

[www.palestine\\_persian.info/jonbesh\\_e\\_hemas/moshobe/goftogoha20183/masahebe6](http://www.palestine_persian.info/jonbesh_e_hemas/moshobe/goftogoha20183/masahebe6)

جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۵) «ایران و مصر، از رقابت تا همکاری»، *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، آذر و دی، شماره ۲۳۱ و ۲۳۲، صص ۳۳-۱۸.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۱) «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: روندها و بازتابها» *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال نهم، شماره ۳۱، پاییز.

روزنامه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۱/۰۱/۱۷).

عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۹) «ژئوپلیتیک جهان اسلام و جایگاه کشورهای شمال آفریقا»، *مطالعات آفریقا*، شماره اول، بهار و تابستان، ص ۳.

قهرمان پور، رحمان (۱۳۸۶) «چشم‌انداز موقعیت مصر در خاورمیانه»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال چهاردهم، شماره ۲ و ۳ پیاپی ۵۱.

متقی، ابراهیم (۱۳۷۶) «تحلیل رفتار سیاسی اسرائیل در برابر جمهوری اسلامی ایران»، *سیاست دفاعی*، سال پنجم، شماره ۲۹، بهار ۷۶، ص ۲۹.

هادیان، ناصر، (۱۳۸۲) سازه انگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی، *فصلنامه سیاست خارجی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، سال هفدهم، شماره ۴.

Dikshit. R. D. political Geography, New Delhi, Tata Mc Growthill Publish in company, 1982.  
Chubin, Shahram and Charles Tripp (1996) "Iran-Saudi Arabia Relation and Regional order" (Oxford: Oxford University press) p62

Gregory L. Afton dilan (1993) "Egypt, S Bid Arab Leader Ship, implications For U. S Policy New York", Council of Foreign Relation Pres.

Ibrahim A. Karawan (2002) "Identify and Foreign Policy : The Case of Egypt" ,in Identity and Foreign Policy in the Middle East. Edited by Shibley Telhami and Michael Barn, London: Cornell University Press. pp 155-168.

Professor Kenneth (1997) W. stein "Egypt -Israel Relation " Meria Journal, volume 1, NO. 3- september.

Web site of ministry of Foreign (1985) trade-of Egypt *Washington post*, June 29.

<http://1cweb2.loc.gov/cgi-bin/query>

[www.siasatema.com](http://www.siasatema.com)